

افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه

بشیر اسماعیلی^۱، محمد زارع‌زاده^۲ محمد فلاح^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۷

چکیده

نظر به موقعیت ترکیه در منطقه خاورمیانه و تأثیرگذاری این کشور در تحولات منطقه، این کشور از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه می‌کوشد جایگاهی مهم‌تر از قبل برای خود ترسیم نماید. ترکیه با در نظر داشتن اینکه وارث آخرین امپراتوری اسلامی است، کوشیده است دوران صیانت خود در جهان اسلام را احیا نماید. در این راستا، در سال‌های اخیر الگوی ترکیه را با دو پس سیاسی و اقتصادی به جهان اسلام و به‌ویژه در خاورمیانه معرفی کرده است. دموکراسی، توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و ایجاد یک نقش مرجعیت سیاسی در اختلافات منطقه‌ای از جمله شاخص‌های الگوی ترکیه است که علی‌رغم کسب توفیق در مراحل ابتدایی، در ادامه با ناکامی‌های پی‌درپی مواجه شده است. مسائل داخلی که ترکیه با آن دست به‌گیریان است، در کنار مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی باعث شده است مدل مورد نظر ترکیه مانند گذشته جذابیت نداشته‌باشد و در عمل با شکست مواجه گردد.

واژه‌های کلیدی: مدل ترکیه، خاورمیانه، توسعه اقتصادی، دموکراسی، جهان اسلام

۱. عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد شهرضا، ایران *bashir_esmaeili@yahoo.com*

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد شهرضا، ایران *mamadzz@yahoo.com*

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد شهرضا، ایران *mohammad_falah69@yahoo.com*

مقدمه

آنکارا بی‌وقفه در مسیر رسیدن به جایگاه شایسته‌تر در جهان اسلام و عرصه روابط بین‌الملل در حرکت است و نمود آن را در گسترش روابط این کشور با کشورهای اسلامی و خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد (امیدی، ۱۳۹۰: ۲۳۲). سیاست حزب عدالت و توسعه مبنی بر عدم جبهه‌گیری در برابر غرب و اتخاذ رویکرد مثبت در پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و تأکید بر مسائل فرهنگی دین اسلام به‌جای مسائل سیاسی و در واقع، نگاه سکولار به دین به‌جای نگاه ایدئولوژیک، باعث شده است این حزب خود در کشورهای غربی از مقبولیت برخوردار باشد. البته، در داخل ترکیه نیز باعث آسودگی کمالیست‌ها و نظامیان شده است. عدالت و توسعه تلاش کرده است بین ارزش‌های اسلامی از یک‌سو و ارزش‌های کمالیستی و ارزش‌های لیبرالی ارتباط برقرار کند. اسلام‌گراها با نشان‌دادن چهره متعادل از خود، خود را به‌الگویی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل ساختند.

با وقوع انقلاب‌های عربی و آشفتگی در خاورمیانه و بروز مسائل داخلی و خارجی، درهم‌تنیدگی مسائل سیاسی و اقتصادی، ترکیه را در مسیر توسعه کند نمود و به‌مرور زمان باعث شکست مدل ترکیه شد. عوامل داخلی مانند استبداد سیاسی اردوغان و مسائل درون‌حزبی، تنش با کردها و حمایت از داعش سبب ایجاد مشکلاتی برای حزب عدالت و توسعه و شکست مدل ترکیه شد. در حوزه خارجی نیز ترکیه نتوانست سیاست تنش صفر با همسایگان را دنبال کند و مشکلات سیاسی و درگیری‌های نظامی با محور مقاومت و روسیه، ترکیه را در عمل ناموفق و کشوری به‌بن‌بست رسیده در حل مسائل منطقه‌ای نشان داد. با استعفای اوغلو به‌عنوان معمار سیاست خارجی نوین ترکیه نیز آخرین نشانه‌های این مدل رو به خاموشی نهاد. پرسش اصلی مقاله این است که آیا مدل سیاسی اقتصادی ترکیه همچنان در خاورمیانه روایی دارد یا خیر؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که مدل مورد اشاره به‌علت بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی در حوزه داخلی و خارجی، کارآمدی

و جاذبه خود را ازدست داده است. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای بوده است.

چارچوب نظری

با بررسی ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی، تمدنی و امکانات مادی و معنوی در جهان اسلام، می‌توان این امر را استنباط نمود که کشورهای ایران، عربستان سعودی، ترکیه و مصر در حال حاضر بیش از دیگران از توان تبدیل شدن به الگو برای جهان اسلام برخوردارند. در میان این کشورها، مصر، به علت تداوم بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و نداشتن توان گفتمان عملی قادر به الگوسازی نیست. عربستان سعودی نیز، به علت تفکرات سلفی، فقدان مردم‌سالاری، مسائل مربوط به حقوق بشر، مدل آن جذابیتی ندارد. از این رو، در شرایط فعلی، ایران و ترکیه کشورهایی هستند که از توان هدایت و رهبری جهان اسلام برخوردارند. با توجه به عنوان این مقاله، مدل مورد نظر ترکیه بررسی می‌شود.

سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه پس از ظهور حزب عدالت و توسعه

به‌طور کلی اگرچه ترکیه به لحاظ سنتی، پس از دوران جمهوری سعی کرده است نگاه سیاست خارجی خود را بیشتر غرب‌محور کند. این نگاه هرچند که هنوز هم در ترکیه وجود دارد؛ اما تحولات سال‌های اخیر در منطقه و جهان، نخبگان حزب عدالت و توسعه را به توجه بیش‌ازپیش به منطقه پیرامونی و محیط اطراف جغرافیای سیاسی و طبیعی خود جلب کرد (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۷).

در واقع، می‌توان سیاست خارجی حزب حاکم عدالت و توسعه را در قالب مفهوم و الگوی نوع‌ثمانی‌گرایی این حزب تفسیر و تحلیل کرد که نخستین بار در دوران تورگات

اوزل^۱ پایه‌گذاری شد و هدف آن برقراری مناسبات گسترده و همه‌جانبه با کلیه ممالیک اطراف ترکیه بود. این قطعاً دارای تفاوت‌های اساسی با نوع‌ثمانی‌گرایی مرکبی است که حزب عدالت و توسعه بانی آن شمرده می‌شود؛ زیرا متغیرهای درونی نوع اخیر متکثرترند. نقش مزبور از طریق مناسبات دیپلماتیک در کنار مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در حال تثبیت خود است. بنابراین تعریف، نوع‌ثمانی‌گرایی به‌عنوان زنده‌سازی مجدد روح امپراتوری و پیروی از سیاست خارجی و داخلی عثمانیان نیست؛ بلکه چارچوبی متکی بر کل‌گفتمان‌های داخلی ترکیه در یک حالت تعدیل شده است که حزب عدالت و توسعه سعی دارد آن را به‌عنوان هویت غالب خود و یک الگوی مناسب برای دیگران نشان دهد (کالچی، ۱۳۸۸: ۷۵).

تبدیل خاورمیانه (شامل شمال آفریقا) به کانون توجه تلاش‌های سیاست خارجی ترکیه، نشان‌دهنده پس‌وجود قدرتمند هویتی در سیاست خارجی جدید این کشور است. ترکیب این مسأله با تاریخ و جغرافیا و نمود آن در دکترین «عمق استراتژیک»^۲ سبب می‌شود که ترکیه هدف خود در خاورمیانه را از تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تغییر داده و تبدیل شدن به قدرت مرکزی و الگو را در دستور کار خویش قرار دهد و از تمام موقعیت‌هایی که در منطقه فراهم است، برای رسیدن به این هدف و تثبیت موقعیتش استفاده کند (مسعودنیا، ۱۳۹۲: ۹۴) تا در بطن تحولات و بحران‌های مزبور بتواند خود را به‌عنوان یک الگوی آلترناتیو نشان دهد.

سیاست خارجی ترکیه در دوره جدید بر دو اصل استوار است:

الف- حضور فعال منطقه‌ای با اتخاذ «قدرت نرم»^۳ در سیاست خارجی: در این رابطه حل

1. Turgut Özal

2. Strategic depth

3. Soft Power

افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه/ ۱۷۷

وفصل مشکلات با همسایگان، حل و فصل اختلافات قومی با کردها و ایفای نقش میانجی در حل و فصل مسائل منطقه‌ای، از جمله اقدامات ترکیه محسوب می‌گردد. در تحولات اخیر خاورمیانه، مسائل سوریه موقعیت مناسبی را برای ترکیه فراهم ساخت تا این کشور، هم به جهت پیوستگی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با این کشور (از جمله وجود منطقه ژئوپلیتیکی مشترک کردنشین) و هم به‌مثابه یک قدرت منطقه‌ای، به ایفای نقش فعال بپردازد (قدسی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

ب- معرفی ترکیه به عنوان الگویی از یک کشور اسلامی و دموکرات: این اصل در سیاست خارجی ترکیه در دو پس‌الگو بودن به عنوان یک کشور دموکرات که ترکیه همواره مدعی بوده نمونه‌ای موفق در جهان اسلام است و نیز الگو بودن به عنوان یک کشور مسلمان در جهان اسلام قابل تبیین است. در خیزش‌های مردمی اخیر در کشورهای خاورمیانه، شاهد حضور بسیار پررنگ دیپلماسی و قدرت نرم ترکیه هستیم؛ برای مثال، حزب راشد الغنوشی که در ابتدای این خیزش‌ها در تونس بیان نموده بود که انقلاب ما با تاسی از انقلاب امام خمینی است، در یک تغییر رویکرد گفت، الگوی ما حزب توسعه ترکیه است (خزایی، ۱۳۹۰: ۱۵)

حزب عدالت و توسعه پس از به‌قدرت رسیدن، اعلام کرد که ترکیه در یک وضعیت منحصر به‌فرد برای پیوند و ایجاد سازش بین اسلام، دموکراسی و سکولاریسم قرار دارد. ترکیه نسبت به ایده «برخورد تمدن‌ها» اعتراض کرد و درعین حال، واشنگتن نیز خواستار معرفی ترکیه به عنوان یک الگو برای جهان اسلام بود (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۹۰).

با به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، احمد داود اوغلو^۱، به پی‌ریزی سیاست خارجی ترکیه اقدام نمود (perthes, 2012: 2). داود اوغلو در کتاب «عمق

استراتژیک» استدلال می‌کند که سیاست خارجی ترکیه دارای توازن و تعادل نیست و تأکید بیش از حد بر رابطه با اروپای غربی و آمریکا و غفلت از رابطه با دیگر کشورها؛ به‌ویژه در خاورمیانه را نادرست دانست و معتقد بود جمهوری ترکیه روابط با دیگر کشورها؛ از جمله شمال آفریقا و خاورمیانه را نادیده گرفته است و ترکیه امروز نیازمند بازی کردن در نقش‌های بزرگتر است. رهبران حزب عدالت و توسعه خواستار رسیدن به تعادل در مقابل وابستگی‌هایشان به غرب هستند؛ نه جایگزینی آن (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹).

اوغلو استدلال می‌کند که «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای عمق استراتژیک است»؛ و از این‌رو، ترکیه را قدرت مرکزی^۱ می‌نامد و معتقد است ترکیه نباید خود را به نقش منطقه‌ای در بالکان یا خاورمیانه محدود کند؛ زیرا کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای؛ و باید نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند.

از طرف دیگر، مدل مطلوب غرب برای کشورهای اسلامی، مدلی مانند ترکیه است. حمایت آمریکا و غرب از مدل ترکیه، به این دلیل است که مدل مورد نظر نوعی از اسلام را ارائه می‌دهد که نزدیک‌ترین مدل به فرهنگ لیبرالی غرب است. مسلمانان میانه‌رو و عملگرا در ترکیه به دلیل پذیرش الزامات نظام لیبرال دموکرات و عدم دخالت دین در مسائل سیاسی، مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفته‌اند. روی کار آمدن این دولت‌ها با چنین نگرشی، که مقبولیت مردمی را نیز دارا باشند، باعث گرایش مردم به آموزه‌های غربی در جهت تأمین منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌گردد. از طرف دیگر، با الگو قرار گرفتن نظام حکومتی ترکیه به مثابه کشوری مسلمان و درعین حال لائیک، در سطح منطقه، می‌تواند از شدت اثرگذاری الگوی اسلام سیاسی و انقلابی کاسته شود.

افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه / ۱۷۹

سیاست‌های داخلی ترکیه در سال‌های اخیر، ترکیه را کشوری ناتوان در عرصه مدل‌سازی نشان داده است. اقدامات اردوغان در خصوص محدودیت‌های اتخاذ شده برای خبرنگاران و کاربران فضای مجازی، مسائل قومیتی، برخورد با اپوزیسیون داخلی و اصلاحات قانون اساسی، به نوعی انحراف از دموکراسی را در نظام ترکیه نشان می‌دهد. مسائل حوزه خارجی که ترکیه با آن دست به‌گریبان است نیز در افول مدل ترکیه دخیل بوده است. حمایت ترکیه از گروه‌های معارض با حکومت در سوریه و تقویت روابط با اقلیم کردستان، مناسبات آنکارا را با دمشق و بغداد، تحت‌الشعاع قرار داده و باعث بروز اختلافاتی با تهران شده است. این موارد در کنار برکناری آقای اوغلو به‌عنوان معمار سیاست نوین ترکیه، این کشور را در مدل‌سازی و تبدیل شدن به یک الگوی حکمرانی دچار چالش نموده است. با بروز کودتای نافرجام و اقدامات پساکودتایی اردوغان، به‌نظر می‌رسد ترکیه چندین سال به بازسازی سیاسی و اقتصادی خود، برای تحقق این امر نیاز دارد.

در ادامه مقاله به شاخصه‌هایی که باعث جذابیت و رونق مدل حکومتی ترکیه در بین سایر کشورها می‌گردند، به تفضیل اشاره و سپس عوامل افول آن بررسی می‌گردد.

عوامل رونق مدل ترکیه

الف- اعتدال در سیاست خارجی: با روی‌کار آمدن اسلام‌گراها، آنان سعی نموده‌اند با استفاده از قدرت نرم، نفوذ خود را در منطقه گسترش دهند. در همین راستا، با برقراری روابط اقتصادی و سیاسی و البته فرهنگی، با بیشتر کشورهای اسلامی از خاورمیانه تا آسیای میانه، سعی کرده‌اند جایگاه خود را در منطقه ارتقا دهند. با وقوع انقلاب‌های عربی رهبران ترک این فرصت را مغتنم دانستند تا با معرفی نوع حکومت خود، الگوی حکومتی خود را به کشورهای منطقه تسری و نفوذ خود را در منطقه ارتقا دهند.

رهبران ترکیه می‌کوشند با دخالت در مسائل منطقه، پرستیژ بین‌المللی خود را افزایش دهند. تلاش در جهت بهبود روابط فلسطین و اسرائیل، همکاری با کشورهای عربی منطقه در قالب کنفرانس اتحادیه عرب، همکاری با غرب و حضور به‌عنوان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان، همراهی با غرب در قالب نیروهای ناتو در افغانستان، تلاش در جهت حل مناقشه هسته‌ای ایران، بهبود روابط با همسایگان خود، حضور در قفقاز و آسیای مرکزی و سعی در حل برخی مشکلات این منطقه و تلاش گسترده رهبران ترکیه برای مدیریت انقلاب‌های عربی، اقداماتی از این قبیل بوده‌اند (اقبال اسماعیل، ۱۳۹۳: ۴۱).

داوود اوغلو در کتاب «عمق استراتژیک» خود، تأکید دارد: ترکیه در سیاست خارجی خود باید بتواند همزمان با تمام مناطق پیرامون خود تعامل و در آنها حضور داشته باشد (Davutoğlu, 2001: 611) وی معتقد است ترکیه به دنبال هژمون‌گرایی در منطقه نیست، و در تلاش است به بهبود روند صلح در منطقه کمک کند.

از نظر رجب طیب اردوغان^۱ رهبر حزب عدالت و توسعه، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می‌تواند با مجموعه‌ای از کشورها مانند ایران، اسرائیل، آمریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته باشد و این به‌منزله قدرت نرم ترکیه محسوب می‌شود که کمتر کشوری چنین پتانسیلی را داراست (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

ب- تأثیرگذاری فرهنگی: حزب عدالت و توسعه با رسیدن به قدرت، کوشید تا گستره نفوذ خود را به فراتر از مرزهای ترکیه افزایش دهد و در تحولات منطقه‌ای به‌عنوان یک بازیگر اصلی ظاهر شود. استفاده از قرابت فرهنگی که بین ترکیه با مناطق ترک‌نشین و یا ترک‌زبان کشورهای اطراف و همچنین، برخی کشورهای امپراتوری عثمانی سابق وجود دارد و از طرفی هویت چند فرهنگی و جذاب ترکیه، باعث شده است تا رهبران ترکیه (مخصوصاً

حزب عدالت و توسعه) تلاش کنند با استفاده ابزاری از اشتراکات فرهنگی، به دنبال منافع سیاسی، تجاری و راهبردی خود نیز باشند و جایگاه خود را نزد افکار عمومی این کشورها بالا برده، از این طریق نفوذ خود را ارتقا بخشند. در واقع، ترک‌ها به دنبال این هستند که از طریق قدرت نرم خود که فرهنگ و ارزش‌های پان ترکیسم را نیز شامل می‌شود، الگوی سیاسی عدالت و توسعه را بسط و نشر دهند.

دولت ترکیه در تلاش بوده است تا از فرصت و شرایطی که دگرگونی‌های بنیادین سیاسی- اجتماعی در کشورهای منطقه می‌توانسته به همراه داشته باشد، در جهت ارائه و تبلیغ سیستم سیاسی خود به‌عنوان سیستمی که می‌تواند در این کشورها جایگزین سیستم‌های سیاسی سابق شود، به بهترین وجه استفاده کند. دولت ترکیه در پی آن بوده تا با برقراری همگرایی اقتصادی و سیاسی و ایجاد اتحاد میان این دولت‌ها و دولت ترکیه، بتواند با قبولاندن نقش هژمونیک خود در منطقه به این دسته از دولت‌ها و همراه نمودن آنها با سیاست‌های منطقه‌ای خود به ساخت منطقه نوین موردنظر خود نائل آید (صبوحی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۰۷).

تجربه ترکیه به دلیل تلفیق اسلام و دموکراسی، به‌ویژه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، به‌عنوان جایگزینی مناسب و مطلوب، نزد بسیاری از نخبگان و دولتمردان منطقه مطرح شده است. ترکیه با بهره‌برداری از پیوندهای تاریخی، فرهنگی و زبانی‌اش با مردم آسیای مرکزی و قفقاز سعی دارد حوزه نفوذ خود را گسترش دهد.

پ- رشد اقتصادی: رشد اقتصادی یکی از عوامل پیشبرد سیاست خارجی محسوب می‌گردد و از آنجا که ترکیه درصدد است تا سال ۲۰۲۳ در ردیف ده قدرت برتر اقتصادی جهان قرار گیرد، تقویت سطح همکاری در عرصه اقتصاد بین‌الملل برای آن اولویت دارد و این ایجاب می‌کند که تعامل بین‌المللی ترکیه در مناطق مختلف جهان فعال‌تر شود (Davutoğlu, March 2012).

از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ متوسط درآمد سرانه سالانه ترک‌ها بیش از سه برابر شد و به لحاظ سیاسی نیز اعتبار بین‌المللی ترکیه بهبود چشمگیری داشت. در سال ۲۰۱۱ در حالی که کشورهای اروپایی همچنان با آثار زیانبار بحران اقتصادی جهانی درگیر بودند، اقتصاد ترکیه رشد ۵/۷ درصدی را تجربه کرد. در آغاز سال ۲۰۱۲ اقتصاد ترکیه با تولید ناخالص داخلی حدود یک تریلیون دلاری همچنان رتبه ششم اروپا و شانزدهم جهان را به خود اختصاص داد که بخش قابل توجهی از این رشد مدیون توسعه مناسبات اقتصادی ترک‌ها با همسایگان منطقه‌ای بوده است (Davutoğlu, March 2012).

تحولات ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه در نخستین دهه سده ۲۱ به‌ویژه دستاوردهای اقتصادی آن، از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر انقلاب‌های جهان عرب بود. افکار عمومی منطقه شاهد رشد روزافزون اقتصادی ترک‌ها بود (nafaa, 2011: 39).

موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه در ترکیه به بهبود شاخص‌های اقتصادی کشور و افزایش سطح رفاه مردم منجر شد. مردم کشورهای منطقه نیز، رشد صنعت و افزایش محصولات ترکیه در کشور خود را احساس می‌نمودند. حزب عدالت و توسعه به‌جای آنکه به تقابل با غرب در منطقه بپردازد، روی توانایی‌های داخلی سرمایه‌گذاری نمود و به موفقیت‌هایی دست یافت. همراهی دستاوردهای اقتصادی با نقش فعال دولت اردوغان در منطقه باعث اقبال برخی فعالان سیاسی منطقه به سیستم سیاسی - اقتصادی ترکیه نوین گردید و آن را الگوی مناسبی برای کشور خویش تلقی و تلاش نمودند به منظور عملیاتی ساختن آن، رژیم‌های فاسد را با اقدامات انقلابی به چالش بکشند. رشد اقتصادی ترکیه به عنوان یک منبع مهم قدرت نرم و الهام‌بخش منطقه‌ای این کشور تبدیل شد (Dede, 2011: 27-28).

عوامل افول و زوال مدل ترکیه

الف- عوامل داخلی: حوادثی را که در ۲۷ مه ۲۰۱۳ در پارک گزی^۱ استانبول رخ داد که در آن معترضان خواهان استعفای اردوغان بودند، می‌توان آغاز سیر نزولی حزب عدالت و توسعه نامید.

شاید کمتر کسی فکر می‌کرد یک راهپیمایی ۵۰۰ نفره مسالمت‌آمیز که در اعتراض به قطع درختان پارک گزی استانبول به منظور تغییر کاربری آن از فضای سبز به یک مجموعه فرهنگی- تجاری آغاز شده بود، آغازگر یک ناآرامی مدنی باشد و به سرعت به شهرهای مهم ترکیه از جمله آنکارا گسترش یابد. علت این ناآرامی‌ها فراتر از مسائل محیط‌زیست بود. روند حرکت حزب عدالت و توسعه (مشخصاً سیاست‌های تکررانه اردوغان) از یک حزب مردمی به سمت یک حزب مسلط را که با اتکا بر آرای اکثریت به نوعی در تلاش برای ایجاد یک سری تغییرات سیستمی و برخی نیز اسلام‌گرایانه در داخل ترکیه به نفع خود است، می‌توان عامل شروع برخی نارضایتی‌ها و آشوب اجتماعی در گوشه و کنار ترکیه دانست. رشد اقتصادی ترکیه در خلال سال‌های حاکمیت حزب عدالت و توسعه را شاید بتوان علت تغییر سمت اردوغان به سوی اقتدارگرایی دانست. یکی از موارد آن را می‌توان تلاش اردوغان برای تغییر سیستم پارلمانی کنونی به سیستم ریاستی نام برد.

اگر اندکی به عقب بازگردیم، در سال ۲۰۰۷، پس از کشف کودتای چند تن از افسران نظامی که بر اساس نقشه قرار بود دولت اسلام‌گرای ترکیه را در یک کودتا سرنگون کنند، حزب حاکم این توطئه را بهانه‌ای برای بازداشت روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی نمود.

حزب عدالت و توسعه دچار فساد اقتصادی نیز شده است؛ مشهورترین آن ماجرای بحران مالی سال ۲۰۱۳ است، که در واقع در پی جریان ورود یک محموله طلا به ایران به وجود آمد و پای برخی آقازاده‌های ترکی و مقامات دولتی را به این جریان باز کرد و به دعوی سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ترکیه میان جناح وابسته به فتح‌الله گولن^۱ و رجب طیب اردوغان منجر گردید. این رویداد اقدام جدی دولت را می‌طلبید؛ اما کم‌توجهی دولت به این مسأله نارضایتی افکار عمومی را در پی داشت.

عوامل داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه در طیف گسترده‌ای از روابط خاص بین احزاب، نخبگان، ارتشیان کمالیست، اسلام‌گراها، اقلیت‌های قومی (از جمله کردها)، اقلیت‌های مذهبی (همانند علوی‌ها)، رسانه‌ها، افکار، ایده‌ها و عمل این گروه‌ها خلاصه می‌گردد (چگینی‌زاده ۱۳۸۲: ۱۹۲). اختلاف‌هایی که بین اردوغان و احزاب ترکیه وجود دارد، باعث شده‌است، فضای داخلی ترکیه صحنه درگیری لفظی احزاب و رسانه‌های آنان باشد.

انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵ نخستین انتخاباتی بود که قدرت حزب عدالت و توسعه را به چالش کشید. حزب عدالت و توسعه از ابتدای سال ۲۰۰۲ بدون ائتلاف با سایر احزاب اقدام به تشکیل کابینه نموده بود و این اولین انتخاباتی بود که نیاز به ائتلاف را می‌طلبید. رایزنی‌های احزاب سیاسی ترکیه برای تشکیل دولت ائتلافی بدون نتیجه ماند و اردوغان برای بار دوم دستور برگزاری انتخابات زودهنگام دیگر را صادر کرد؛ اما برخلاف انتظارات، انتخابات پیش از موعد ۱ نوامبر ۲۰۱۵ تمامی معادلات را دگرگون نمود و بار دیگر حزب عدالت و توسعه پیروز انتخابات شد. احزاب اپوزیسیون در انتخابات نوامبر شکست بزرگی را متحمل شدند. علت موفقیت حزب عدالت و توسعه را می‌توان نیازسنجی افکار عمومی و ارائه طرح‌های عامه‌پسند در ترکیه دانست. شخصیت اردوغان و

افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه / ۱۸۵

سخنرانی‌های عوام‌پسندانه و همچنین، تخریب اقلیت‌های قومی نیز برای جامعه کشور جذابیت دارد. اردوغان یک دیکتاتور نیست و از این لحاظ شباهت چندانی به بن علی، محمد حسنی مبارک یا معمر قذافی ندارد. او دقیقاً نخست‌وزیری است که به‌گونه‌ای دموکراتیک انتخاب شده است؛ اما به‌نحو فزاینده‌ای غیردموکراتیک عمل کرده است. او و حزب متبوعش دموکراسی را به اشتباه مساوی با تحمیل خواست اکثریت بر همگان می‌داند و این بحران دموکراسی در ترکیه است. بحرانی که هر هنگام شرایط فراهم شود، به شکل آشوب‌های اجتماعی نمایان خواهد شد (قلی‌پور، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از مسائلی که دهه‌هاست ترکیه با آن دست به‌گریبان است، مسأله کردهاست. با درنظرگرفتن اوضاع جدید منطقه‌ای می‌توان گفت مسأله کردهای ترکیه همچنان حل‌نشده باقی خواهد ماند. ترکیه از یک‌سو تحت فشار اروپا ناگزیر است حقوق کردها را به رسمیت بشناسد و از سوی دیگر، شاهد سیل مطالبات کردها از داخل است. علاوه بر این، مسأله کردها همچون نقطه‌ضعفی برای دولت‌های ترکیه از گذشته تاکنون بوده است. قدرت‌های بیرونی و همسایگان این کشور همواره از «برگ کردی»، برای اعمال فشار بر این کشور استفاده کرده‌اند (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷).

سیستم جدید حکومتی عراق و تشکیل اقلیم کردستان در این کشور بیم و امیدهایی را برای این منطقه رقم زد: امید به ایجاد کشور کردستان و پیوستن کردهای ترکیه به آن، و بیم تشدید خطر تجزیه‌طلبی برای کشورهای که منطقه کردنشین دارند. ترک‌ها بر این باورند که هم‌اکنون بهترین موقعیت برای کردهای ترکیه است تا اقدامات تجزیه‌طلبانه خود را به انجام رسانند. ملاطفت مسعود بارزانی به‌عنوان رهبر اقلیم کردستان عراق با کردهای ترکیه که در قالب پ. ک. ک. در حال مبارزه با حکومت مرکزی ترکیه هستند، از جمله در اختیار گذاشتن تسهیلات و ابراز همدردی با آنان، ترکیه را در انجام سخت‌ترین اقدامات علیه آنان در این برهه جدی‌تر کرده است. اردوغان نیز در موضع‌گیری اخیر خود که در

سخنرانی‌اش در استان دیاربکر انجام داد، عنوان نمود که قصد دارد توسعه اقتصادی را در این استان به انجام برساند. البته، به نظر می‌رسد اقدامات اردوغان بیشتر به یک نمایش سیاسی به منظور کاهش فشارهای داخلی و بین‌المللی شبیه باشد و در سیاست‌های ترکیه در برخورد با کردها تغییر اساسی ایجاد نخواهد شد.

اردوغان در این سخنرانی عنوان نمود که «پ.ک.ک. نماینده کردها در ترکیه نیست» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵ (A)). در واقع، هدف اردوغان از این اقدام جدانمودن مسأله پ.ک.ک. با کردها بود، تا اقدامات علیه این گروهک را از مسائل قومیتی در ترکیه جدا نماید. فعالیت‌های نظامی و بمب‌گذاری‌های منسوب به پ.ک.ک. در شهرهای ترکیه از مواردی است که اعتبار دولت را خدشه‌دار می‌کند.

یکی دیگر از مواردی که نشان از شکست مدل ترکیه دارد، بروز مسائل و اختلافات درون‌حزبی در حزب عدالت و توسعه است؛ عواملی که به استعفای داود اوغلو به عنوان معمار سیاست خارجی نوین ترکیه منجر شد. به نظر می‌رسد اختلافات اوغلو با اردوغان، پس از رسانه‌ای شدن قاچاق دولتی سلاح و چگونگی محاکمه روزنامه‌نگاران به وجود آمد. از طرف دیگر، اردوغان با به‌کارگیری اوغلو به عنوان مشاور ارشد خود و سپس وزیر امور خارجه و پس از آن پست نخست‌وزیری، انتظار رفتاری یکسان از اوغلو داشت؛ امری که به بی‌اعتمادی دوطرف انجامید و اوغلو توان رویارویی با زیاده‌خواهی‌های سلطان را در خود ندید و چاره‌ای جز استعفا پیش‌روی خود نداشت.

اقدام دیگر اردوغان در مسند قدرت تلاش برای تبدیل نظام سیاسی ترکیه از پارلمانی به نظام ریاستی است. موافقان این طرح معتقدند با توجه به اینکه رییس‌جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود، نباید جایگاهی تشریفاتی داشته باشد. جدا از اینکه این تصمیم درست یا نادرست است، مخالفان این طرح بیشتر نگران افزایش استبداد اردوغان در صحنه سیاسی ترکیه هستند.

بروز این مسائل در سپهر داخلی سیاست ترکیه نشان‌دهنده ناتمام ماندن مدل ترکیه است؛ امری که با استعفای اوغلو به عنوان معمار سیاست خارجی ترکیه وقوع این امر را محتمل‌تر ساخت.

ب- عوامل خارجی: در فضای جدید بین‌المللی ابتدای هزاره سوم، عده‌ای از نخبگان فکری و ابزاری ترکیه همانند داوود اوغلو بر این اعتقادند که با توجه به عمق راهبردی ترکیه، این کشور نباید به دنبال کسب منزلت هژمونی در مناطق پیرامونی خود باشد؛ زیرا چنین قدرتی را ندارد؛ بلکه ترکیه باید بتواند به ایجاد ثبات و صلح در مناطق بیرونی خود کمک کند. بنابراین، عمق استراتژیک، چراغ راه سیاست خارجی ترکیه در فضای جدید بین‌المللی است. ترکیه همانند ایران، روسیه و مصر در منطقه خاصی واقع نشده است که بتواند هویت آن منطقه را به خود بگیرد. بنابراین، ترکیه باید سیاست خارجی‌اش را بر همین اساس پی‌ریزی کند. ترکیه به دلایل تاریخی و جغرافیایی دارای هویت‌های چندگانه منطقه‌ای است و در نتیجه نمی‌تواند با پشت کردن به این هویت‌های خود سیاست خارجی موفق‌تری داشته باشد. از نظر وی، اولویت با هویت ترکیه است و درک از ژئوپلیتیک هم تابع نوع تعریف هویت ملی ترکیه است. در سیاست خارجی، ترکیه باید بتواند همزمان با همه مناطق پیرامون خود تعامل کرده، در آنها حضور داشته باشد و حتی در صورت وجود فرصت‌هایی در آفریقا (برای مثال، سودان) هم حاضر شده، زمینه را برای افزایش عمق راهبردی ترکیه و تبدیل شدن آن به یک بازیگر مؤثر جهانی در بیست سال آینده فراهم کند (قهرمان پور، سایت اراده مردم، ۱۳۸۸).

حزب عدالت و توسعه، با روی دادن تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱، به سمت مدیریت انقلاب‌های عربی پیش رفت. ترک‌ها دریافتند که باید سیاست تنش صفر با همسایگان را کنار بگذارند و برای بهبود نقش منطقه‌ای خود به خواسته‌های معترضان توجه کنند. یکی از این کشورهای عربی که ترکیه را وارد تنش نمود، سوریه بود. ترکیه در روابط

خود با سوریه نه تنها مشکلات خود را به صفر نرساند؛ بلکه روابط آنها دچار تنش شد و باعث بروز اختلافاتی با روسیه و ایران نیز گردید. اختلافات با روسیه پس از سرنگونی جنگنده به اوج خود رسید و مناسبات آنها را به شدت تیره کرد. این رویداد پیامدهای اقتصادی را نیز برای ترکیه به همراه داشته است. لغو سفرهای گردشگری از روسیه به ترکیه، آنکارا را متحمل ضررهای قابل توجه اقتصادی گردانید. در پس نظامی نیز ستاد کل نیروهای مسلح روسیه از تصمیم مسکو برای قطع همه مناسبات و ارتباطات نظامی با ترکیه خبر داده است. بدین ترتیب، تیرگی اساسی روابط دوجانبه روسیه و ترکیه، نخستین پیامد خطای استراتژیک آنکارا در سرنگون کردن جنگنده روس به شمار می‌آید (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از عوامل خارجی که به شکست مدل ترکیه منجر شد، همکاری‌های اقتصادی ترکیه با داعش بود که توسط روزنامه‌های ترکی رسانه‌ای گردید. ترکیه یکی از مهم‌ترین بازیگران منتفع از تجارت نفتی است که این سود توسط گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق صورت می‌گیرد. این تجارت پرسود از زمان حملات هوایی روسیه به مواضع تروریست‌ها با خطر روبه‌رو شده بود. جنگنده‌های روس بارها تانکرهای پر از نفتی را که به سمت ترکیه در حال حرکت بودند، هدف قرار داده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد این موارد باعث شده‌است که وجهه بین‌المللی ترکیه خدشه‌دار شود و ترکیه از نقش کشوری الگو برای کشورهای منطقه فاصله بگیرد. ترکیه هرچند تلاش می‌کند که مدلی برای کشورهای اسلامی باشد؛ اما هنوز زمان زیادی لازم دارد تا خود ثبات سیاسی اقتصادی و امنیتی داشته باشد تا بتواند به شکل مدلی برای کشورهای دیگر مطرح شود.

کودتای تیر ۹۵ و تکمیل فرایند زوال الگو

بروز کودتای غیرمنتظره در ترکیه و درهم‌شکستن سریع آن، پس تازه‌ای به فرایند افول مدل ترکیه در خاورمیانه بخشید که مورد اشاره این مقاله بود. در واقع، حوادث تیرماه ۹۵ در آنکارا و استانبول را می‌توان به‌عنوان نقطه اوج هزیمت مدل ترکیه و آغاز نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی این کشور در نظر گرفت. هرچند کودتای نظامیان یک‌شبه برچیده شد؛ اما بروز چنین واقعه‌ای نمایانگر بحران عمیق سیاسی در نهادهای حاکمیتی ترکیه و فقدان مشهود وحدت سیاسی این کشور است. در عین حال، پس از این کودتا، اردوغان به‌طور عامدانه‌ای به از میان بردن شاخصه‌های توسعه سیاسی و دموکراسی در ترکیه مبادرت ورزیده است. هرچند ترکیه نورخان‌تر هم در موارد بی‌تفاوتی به نسل‌کشی ارمنه در عهد عثمانی، سرکوب کردها و نقض پراکنده حقوق بشر مورد انتقاد قرار می‌گرفت؛ اما توانسته بود مدلی از اسلام متساهل و دموکرات را به جهانیان معرفی کند؛ مدلی که در روزگار پس از کودتا در ترکیه تحت‌الشعاع سرکوب، شکنجه و دستگیری و تصفیه‌های گسترده قرار گرفته است.

تعداد ۷۵۰۰ نفر، تنها در روزهای ابتدایی پس از کودتا در ترکیه دستگیر شده‌اند که شش هزار نفر آنها سرباز هستند. هزاران مأمور پلیس و حدود ۳۰۰۰ قاضی و دادستان این کشور نیز از کار برکنار شده‌اند. دادستانی کل آنکارا پس از کودتا حکم بازداشت ۱۱۲ قاضی و دادستان؛ از جمله اعضای دادگاه قانون اساسی و اعضای شورای عالی قضات دادگاه و دادسرا را صادر کرده است. دولت ترکیه همچنین ممنوع کرده است که مراسم کفن و دفن سربازان کودتاگر بر طبق مبانی اسلامی باشد. بر این مبنا، روحانیان ترکیه حق ندارند برای سربازانی دعا کنند که «به ملت خود حمله کرده‌اند» (خبرگزاری دویچه وله، ۲۰۱۶، (A)).

تصفیه در آموزش و پرورش نیز به موازات ارتش این کشور، به‌طور فزاینده‌ای در دستور کار قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که ۱۵۰۰۰ کارمند آموزش پرورش این کشور منفصل از خدمت اعلام شده‌اند. همچنین، در اقداماتی شبیه انقلاب فرهنگی مائو، ۱۱۷۶ رئیس دانشگاه دولتی و ۴۰۱ رئیس دانشگاه خصوصی شامل این تصفیه گسترده دانشگاهی شده‌اند. درعین‌حال، سیستم تفتیش عقاید با محوریت کشف دلبستگی افراد به فتح‌الله گولن، رهبر در تبعید اپوزیسیون دولتی و مشکوک به دست‌داشتن در کودتا، در مراکز آموزشی ترکیه عملی شده است (خبرگزاری دویچه وله، ۲۰۱۶، (B)).

علاوه بر اعمال محدودیت‌های شدید سیاسی در ترکیه و خاموش کردن همه صداهای مخالف به بهانه بروز کودتا، وضعیت حقوق بشر به‌عنوان عاملی که همواره ترکیه می‌کوشیده است خود را به مراعات آن پیش چشم جهان؛ به‌خصوص اتحادیه اروپا ملزم بداند، شدیداً نقض شده‌است؛ برای مثال، در مورد محدودیت رسانه‌ها در این کشور «فیلیپ لروس»^۱ رئیس فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران از اتحادیه اروپا خواست رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه را درخصوص تعرض به حقوق بشر و محدود کردن آزادی رسانه‌ها در این کشور مسؤول بشمارد. به باور وی، اردوغان مسؤول سرکوبی است که علیه آزادی رسانه‌ها در ترکیه پس از کودتای نظامی ناکام این کشور اعمال می‌شود و اتحادیه اروپا باید در این زمینه موضع بگیرد. در حال حاضر، نگرانی‌های بسیاری درخصوص حملات به رسانه‌ها در ترکیه وجود دارد و این در حالی است که این کشور خود را دارای نظامی دموکراتیک می‌داند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵، (B)).

به‌علاوه «فدریکا موگرینی»^۲ مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و «یوهانس هان»^۱ کمیسر گسترش این اتحادیه با انتشار بیانیه مشترکی ضمن ابراز نگرانی از تحولات

1. Philip Lravs

2. Federica Mogherini

ترکیه پس از اعلام حالت فوق‌العاده تاکید کردند تدابیر اجرا شده پس از کودتای نافرجام و اقداماتی که تاکنون در بخش‌های آموزش، سیستم قضایی و رسانه‌های خبری اعمال شده، غیرقابل قبول بوده است (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵). چنین اقداماتی عملاً وجهه مدارا محور و دموکراتیک ارائه‌شده از حکومت ترکیه در الگوی فراگیر این کشور را با تردیدهای جدی مواجه نمود.

به‌موازات آسیب‌دیدن بخش سیاسی مدل ترکیه پس از کودتا، پس اقتصادی این مدل نیز با شوک ناشی از حوادث ناگهانی تیرماه مواجه شده است. در صبح روز کودتا، ارزش لیر ترکیه ۴٫۸ درصد سقوط کرد که بیشترین سقوط در هشت سال گذشته است. بنابر اعلام بانک جهانی، رشد اقتصادی کشور ترکیه در سه ماهه نخست سال جاری کاهش یافته است؛ به طوری که در این سه ماه رشد ۳٫۳ درصدی را داشته (که نسبت به سه ماه مشابه در سال گذشته میلادی که ۴ درصد بوده) ۰٫۷ درصد کاهش یافته است و احتمالاً با این کودتا، این کاهش رشد در ماه‌های آتی تشدید یابد (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۵). تضعیف پول ملی خطر افزایش تورم و فشار بر ذخایر بانکی این کشور را به‌همراه خواهد داشت و شرایط نامعلوم سیاسی سرمایه‌گذاری خارجی و صنعت گردشگری را به مخاطره خواهد انداخت. صنعت گردشگری که یکی از منابع حیاتی درآمد ارزی ترکیه است نیز در پی این حملات ضربه خورده است. پیش از کودتا، حملات انتحاری به فرودگاه آتاتورک در استانبول به کشته شدن ۴۰ نفر انجامید. همچنین، کشمکش دیپلماتیک ترکیه با روسیه بر سر سقوط یک هواپیمای جنگی روسی در مرز سوریه در قبل، بیش از پیش به این صنعت لطمه وارد کرده است.

آمارهای دولتی نشان می‌دهد که گردشگری در ترکیه در ماه مه، ۲۳ درصد کاهش داشته است و این کاهش سالانه هر ماه نیز تشدید می‌شود. روزنامه حریت نیز گزارشی با عنوان «توریسم بدشانس» منتشر کرده و با اشاره به وضعیت نامناسب جذب درآمدهای توریستی به خاطر ترورهای اخیر در ترکیه نوشته است که کودتای نافرجام باعث شد که چندین کشور؛ از جمله ایران، روسیه، آلمان، بریتانیا، سوئیس و آمریکا پروازهای خود را به ترکیه با تأخیر اندازند. این روزنامه همچنین طی گزارش دیگری با استناد به منابع روسی مانند خبرگزاری‌های اسپوتنیک و ایتارتاس گزارش کرده است که صدها شهروند روس فردای کودتای نافرجام خاک ترکیه را ترک کردند. دنی رودریک، اقتصاددان ترکیه‌ای در دانشگاه هاروارد، عقیده دارد: «از دید یک سرمایه‌گذار، ترکیه بیشتر و بیشتر شبیه یک بسته سیاسی به نظر می‌رسد.» او می‌گوید در هفته‌های اخیر شکاف اقتصادی اردوغان را وادار به آشتی با روسیه و اسرائیل کرده است؛ اما هرگونه منفعت احتمالی برای بخش گردشگری بر اثر ناپایداری‌های سیاسی به‌خطر خواهد افتاد (سایت خبری رادیو فردا، ۱۳۹۵).

در همین حال، بولنت گولتکین، استاد امور مالی دانشگاه پنسیلوانیا، گفته است:

«چالش ترکیه و چیزی که دولت این کشور فراموش کرده است، نیاز به بهبود بهره‌وری است. بدون سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش آموزش یا بدون داشتن یک اقتصاد صادرات‌محور، یک کشور محکوم به رشد اقتصادی ضعیف است.»

یک مدیر بانکی گفته است: سال‌ها زمان لازم است تا سرمایه‌گذاری به مقدار سال گذشته برگردد. اینجا تروریسم هست، کودتا هست و امنیت نیست. ترکیه یکی از بهترین بازارهای نوظهور در جهان بوده است؛ اما پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی این کشور از ۴٫۵ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۳-۴ درصد در سال جاری کاهش پیدا کند. اقتصاد ترکیه تا حد زیادی به سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت خارجی وابسته است. این در حالی است که بسیاری از شرکت‌ها

افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه / ۱۹۳

در این کشور دارای بدهی‌های سنگین هستند. «تیموتی اش»، تحلیلگر بازارهای نوظهور گفته است انتظار ندارد مؤسسات رتبه‌بندی رتبه اعتباری ترکیه در حوزه سرمایه‌گذاری را کاهش دهند؛ اگرچه وی معتقد است مؤسسات رتبه‌بندی این روزها قابل پیش‌بینی نیستند. مؤسسه «مودیزاند فیچ» رتبه ترکیه را یک پله بالاتر از درجه کم‌ارزش قرار داده است (سایت خبری رادیو فردا، ۱۳۹۵).

می‌توان گفت، مدل ترکیه برای خاورمیانه پس از کودتا جذابیت خود را بیشتر از دست داده و مشکلات سیاسی و اقتصادی که کودتای نافرجام به دنبال داشت، ترکیه را در یک حالت انفعال قرار داده است. ترکیه برای مدتی به بازسازی خود نیاز دارد تا بتواند در سپهر سیاست جهانی حرفی برای گفتن داشته باشد. اقدامات پساکودتایی اردوغان که همچنان در حال تکوین است، دموکراسی را در ترکیه به انحراف برده است. باید منتظر روزهای آینده در این کشور و فرجام سامان سیاسی در آن ماند.

نتیجه‌گیری

با نگاه کلی به روند روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، این نکته مبرهن است که این حزب سعی کرده است با ارائه تعریفی جدید از سیاست خارجی به ایفای نقشی متفاوت در منطقه بپردازد. سیاست خارجی بر مبنای نوع‌ثمنی‌گرایی حزب عدالت و توسعه، بر این مبنا نهاده شده که ترکیه به‌علت شرایط ویژه ژئوپلیتیکی و همسایگی با اروپا، خاورمیانه، آسیای مرکزی و روسیه، همزمان با همه مناطق پیرامون خود تعامل برقرار و در آنها حضور پیدا کند و ژرفای استراتژیک خود را افزایش دهد. ترکیه در این برهه کوشیده است با استفاده از قدرت نرم خود و ارتقای توان اقتصادی و استفاده ابزاری از قرابت قومی و فرهنگی خود در منطقه، نفوذ خود را گسترش دهد و مرزهای فرهنگی خود را بگستراند. سیاست تنش صفر با همسایگان از اقدامات ترکیه در آغاز دوره‌های حاکمیت حزب بوده است.

با وقوع انقلاب‌های عربی و ایجاد تحول در ساختار سیاسی این کشورها، رهبران حزب عدالت و توسعه این فرصت را مغتنم شمردند تا مدل حکومتی خود را صادر نمایند. سخنرانی برخی رهبران سیاسی کشورهای عربی مبنی بر الگوبرداری از مدل ترکیه، این کشور را در این مسیر راغب‌تر نیز نمود. بروز تنش‌های داخلی و مداخله در بحران سوریه، افول سیاست خارجی ترکیه را به دنبال داشت. تنش ترکیه با سوریه به درگیری با روسیه و بروز اختلافات با ایران انجامید و در کنار همکاری با داعش افتضاح سیاسی را برای شخص اردوغان پدید آورد. اصلاحات سیاسی مدنظر اردوغان و حرکت به سمت فردی شدن حکومت، که با استعفای اوغلو شروع شد و با اقدامات پساکودتایی در حال تکوین است، مدل حکومتی ترکیه را تحت‌الشعاع قرار داده است.

بدین ترتیب، همه تلاش‌های ترکیه برای حفظ و بازتولید مدل رو به افول ترکیه در خاورمیانه، در سایه حوادث شگفت‌آور کودتا در این کشور بی‌اثر شده‌است. اقتصاد و سیاست به‌عنوان دو بازوی مدل فراگیر ترکیه، دستخوش نابسامانی‌های عمیقی است که میخ آخر کودتا بر تابوت آن کوفته شد. اگرچه در خاورمیانه به‌طور عام، سقوط ناگهانی کشورها پس از یک دوره پیشرفت که به الگوی «مار و پله‌ای» شهرت دارد، امری مسبوق به سابقه است؛ اما میزان شتاب تحولات داخلی و منطقه‌ای مضر به حال ترکیه، از برآیند پژوهشگران و ناظران امور این کشور نیز فراتر رفته است. با توجه به اینکه در زمان نگارش این مقاله، حوادث پساکودتا در ترکیه همچنان در حال تکوین است، باید منتظر روزهای آینده در این کشور و فرجام سامان سیاسی در آن ماند.

منابع

- اقبال اسماعیل. (۱۳۹۳). «تحلیل مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان.
- امیدی، علی و رضایی، فاطمه. (۱۳۹۰). «عثمان‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۳۹۵). «موگرینی: ترکیه در وضعیت فوق‌العاده به حقوق بشر احترام بگذارد»، تاریخ انتشار: ۳ مرداد، تاریخ قرائت: ۱۸ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در: <http://www.yjc.ir/fa/news/5706275>
- چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام بهزاد. (۱۳۸۹). «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه» *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، ش ۵۵، تابستان. حسینی، مطهره؛ طالب ابراهیمی و صفی‌الله شاه قلعه. (۱۳۹۱). «عملکرد خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲-۲۰۱۲)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال سیزدهم، ش ۵۱.
- خبرگزاری ایسنا، (A): «اردوغان: پ.ک.ک نماینده کردها در ترکیه نیست»، تاریخ انتشار خبر: ۱ خرداد ۱۳۹۵، تاریخ قرائت: ۲۱ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترس در: <http://www.isna.ir/news/95030100198>
- خبرگزاری ایسنا، (B): «رئیس فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران: اتحادیه اروپا درخصوص تعرض به حقوق بشر در ترکیه موضع بگیرد»، تاریخ انتشار خبر: ۷ مرداد ۱۳۹۵، تاریخ قرائت: ۲۵ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در: <http://www.isna.ir/news/95050104338>
- خبرگزاری دویچه وله، (A): «ترکیه: رقم بازداشت‌شدگان به بیش از ۱۰هزارتن رسیده است»، تاریخ انتشار خبر: ۲۰/۷/۲۰۱۶، تاریخ قرائت: ۵ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در: <http://www.dw.com/p/1JUIf>

خبرگزاری دویچه وله، (B): «ترکیه ۱۵۰۰۰ کارمند بخش آموزش را منفصل خدمت کرد»، تاریخ انتشار خبر: ۱۹/۷/۲۰۱۶، تاریخ قرائت: ۵ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<http://www.dw.com/p/IJSH7>

خزایی، سعید. (۱۳۹۰). «خیزش‌های مردمی کشورهای خاورمیانه از منظر علم آینده پژوهی»، گاهنامه نمای راهبردی، سال نهم، شماره ششم.

سایت خبری تحلیلی تابناک: «چالش‌های اقتصاد ترکیه پس از کودتای نافرجام و تأثیر آن بر اقتصاد ایران»، تاریخ انتشار ۲۶ تیرماه ۱۳۹۵، تاریخ قرائت: ۲ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/60652>

سایت خبری رادیو فردا: «ضربه کودتای نافرجام به اقتصاد ترکیه»، تاریخ انتشار: ۲۷ تیر ۱۳۹۵، تاریخ قرائت: ۸ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<http://www.radiofarda.com/a/f8-coup-economy/27863484.html>

صبحی، مهدی و حاجی‌مینه رحمت. (۱۳۹۲). «بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و ترکیه در قبال بهار عربی؛ بررسی موردی تونس، مصر و لیبی» فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم.

عالم، ریحانه. (۱۳۹۱). «جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ش ۱۱۰.

قدسی، امیر. (۱۳۹۱). «تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان.

قهرمان‌پور، رحمان. (۱۳۸۹). «سلسله تحلیل‌هایی در مورد تحولات سیاسی در ترکیه»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک خاورمیانه، تاریخ قرائت: ۱۰ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<http://fa.merc.ir/archive/chive/article/tabid/62/articleType/CategoryView/categoryId/11/Default.aspx>

افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه/ ۱۹۷

قهرمان پور، رحمان. (۱۳۸۸). اندیشه‌های داووداوغلو معمار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، زمستان، تاریخ قرائت: ۱۸ فروردین ۱۳۹۵ قابل دسترس در:

<http://www.erademardom.com/print-4819.ht>

قلی پور، مجتبی. (۱۳۹۲). «ریشه‌های بحران سیاسی - اجتماعی اخیر در ترکیه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۲ خردادماه، تاریخ قرائت: ۲۸ فروردین ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2084.aspx>

کالچی، شهرام. (۱۳۸۸). «عملکرد غیرایدئولوژیک اسلامگرایان ترکیه در سیاست خارجی»، گزارش راهبردی، سال هجدهم، ش ۲۱۲.

مرادیان، محسن. (۱۳۸۵). برآورد استراتژیک ترکیه، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مسعودنیا، حسین؛ فروغی، عاطفه و چلمقانی، مرتضی. (۱۳۹۱). «ترکیه و بحران سوریه از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۴. واعظی، محمود. (۱۳۷۸). سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تحلیل سیاسی هفته. (۱۳۳۶). تنش در روابط روسیه و ترکیه؛ زمینه‌ها و پیامدها، شماره مسلسل ۱۴۵۵۴، تاریخ قرائت: ۲۵ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/946581>

نقدی‌نژاد، حسن. (۱۳۸۷). «نبرد بی‌پایان؛ مبارزه ترکیه با کردها»؛ مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، خردادماه، تاریخ قرائت: ۷ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=06&depid=44&semid=1219>

Dede, Alper Y. 2011. "The Arab Uprisings: Debating the Turkish Model", *Insight Turkey*, Vol. 13, No. 2, pp. 23-32.

- Perthes, Volker. 2010 . "Turkey's Role in the Middle East: An Outsider's Perspective", *Insight Turkey*, Vol.12, No.4.
- Davutoğlu, Ahmet ,2001, *Stratejik Derinlik: Türkiye'nin Uluslararası Konumu*, Küre Publishing, Istanbul
- Davutoğlu, Ahmet. March 2012. Scott MacLeod, ed., "The Cairo Review Interview: Strategic Thinking", *THE CAIRO REVIEW OF GLOBAL AFFAIRS*, Retrieved 24May2016, from:[http:// www.aucegypt. edu/gapp/cairoreview/Pages/articleDetails.aspx?aid=143](http://www.aucegypt.edu/gapp/cairoreview/Pages/articleDetails.aspx?aid=143).
- Nafaa, Hassan. 2011. "The Turkish Model' in the Mirror of the Arab Spring", Translated by Ghada Diab from Arabic to English, Nathalie Tocci et al, *Turkey and the Arab Spring: Implications for Turkish Foreign Policy from a Transatlantic Perspective*, Washington, D.C.: The German Marshall Fund of the United States (GMF).